

بخشش؛ شمشیر دولبه

دکتر امان... قزایی مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه
بخشش در فرهنگ ایرانی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بخشش در جامعه همدلی ایجاد می‌کند و پیوندهای عاطفی میان قشرهای مختلف جامعه را افزایش می‌دهد. فرهنگ بخشش در جامعه سبب بروز آرامش می‌شود و افرادی که از این فرهنگ پیروی می‌کنند اغلب شخصیت‌های آرامی دارند که به دنبال هر خشم و خشونت نمی‌روند. به طور کلی فرهنگ بخشش از نظر اجتماعی در تمام طول تاریخ پسندیده بوده است اما در مسائل منفی اجتماعی اگر بخششی صورت گیرد باید از این جنبه به آن نگاه شود که افراد خطا کار با روحیه‌ای سالم و سازنده وارد جامعه می‌شوند یا خیر؟ به طور مثال وقتی فردی پای چوبه دار یا به لیل خلاقی که از وی سر زده است مورد بخشش و عفو قرار می‌گیرد آیا تادیب شده است یا خیر؟ یا این که با بازگشت به جامعه دوباره مرتکب رفتارهای ناپسند خود می‌شود؟ بنابراین بخشش مانند شمشیری دولبه است که آثار منفی و مثبتی را به جامعه القا می‌کند. اگر قرار باشد از فرهنگ بخشش سوء استفاده شود این روش تبدیل به یک خرده فرهنگ می‌شود که خیلی از افراد از این خرده فرهنگ در فرصت‌های منفی سوء استفاده می‌کنند و به تزویر، ریا، دروغ و... پناه می‌برند و این خصوصیات ناشایست را در جامعه حاکم می‌کنند. بسیاری از گذشت‌ها و بخشش‌ها جنبه منفی دارد و افراد باید طبق قوانین لازم و با پیروی از آن دست به بخشش برخی افراد بزنند. از نکات مثبت بخشش و گذشت می‌توان به انسجام اجتماعی در حد وسیع جامعه اشاره کرد که پیوندهای اجتماعی را گسترش می‌دهد و سبب می‌شود اعضای خانواده و همچنین همکاران در محیط‌های کاری بیشتر با هم همدلی کنند و از حسادت و رفتارهای ناپسند اخلاقی دور باشند. بخشش‌هایی مانند رضایت پای چوبه دار یا بخشش فردی که خلاف کرده است زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که فرد شخصیتی قانون‌گریز نداشته باشد و صرفا به دلیل یک اشتباه غیر عمد مرتکب خطا و به حبس و مجازات دچار شده است. از دیدگاه جامعه‌شناسان افراد را که دارای معنویات هستند و هنوز معنویات در آن‌ها زنده است و حس معنوی درونی دارند اگر مرتکب جرمی شوند قطعاً به آن جرم باز نمی‌گردند و آن رفتار ناپسند را تکرار نمی‌کنند از این رو بخشیدن حق این افراد به شمار می‌رود زیرا ر از ترک حادته به این مناصب رفتار شده‌اند. در محیط خانواده می‌توان گفت اگر بخشش در محیط خانواده به شکل یک الگوی رفتاری در آید قطعاً کمتر شاهد طلاق، فرار فرزندان از خانه، قتل و همسر کشی و ضرب و شتم هستیم. اگر والدین در حق یکدیگر اصول بخشش را رعایت کنند فرزندان این آداب را می‌آموزند و در محیط‌های اجتماعی بدون پرخاش و خشونت رفتار می‌کنند.

پسر جوانی که به خاطر یک درگیری از کار بیکار شده بود برای تأمین هزینه‌های زندگی اش دست به سرقت زد.
این مرد جوان با وجود رضایت پنج زن که حتی خواستار رد مال هم نشده بودند به یک سال زندان و ۲۴ ضربه شلاق محکوم شد.

دختری تنها

چندی قبل پسر جوانی سوار بر موتور در شرق تهران در حال پرسه زنی بود که ناگهان چشمش به کیف دستی دختری جوان در خیابانی خلوت افتاد.
پسر جوان در یک لحظه تصمیم به اجرای نقشه‌ای شوم گرفت و به آرامی خود را به کنار دختر جوان رساند و سپس در یک چشم برهم زدن اقدام به قاپیدن کیف دستی دختر جوان کرد و به سرعت پا به فرار گذاشت.
دختر جوان دقایقی شوکه شده بود و از ترس قادر به صحبت کردن نبود تا این که بغض اش شکست و با فریادهای دزد دزد از اهالی محل درخواست کمک کرد اما دیگر دیده شده بود و اثری از سارق تک‌رو نبود.

پلیس وارد عمل شد

بدین ترتیب با اعلام این خبر تیمی از مأموران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و در گام نخست در محل سرقت حضور یافتند و به بررسی دوربین‌های مدار بسته در خیابان خلوت پرداختند. مأموران در تصاویر مشاهده کردند که پلاک موتور مخدوش است، تصویر واضحی از دزد موتور سوار به دست نیامد و تجسس‌های فنی در دستور کار مأموران قرار گرفت و این در حالی بود که سرقت‌های مشابه دیگری به مأموران گزارش می‌شد.
مأموران در گام بعدی دیگر طلمعه‌های این سارق را که بیشتر زنان بودند هدف تحقیق قرار دادند و برای به دست آوردن یک سرخ در محل‌های سرقت تجسس‌های میدانی را آغاز کردند.

بازداشت دزد تازه کار

تیم پلیسی مشخصات موتور سارق جوان را در با هم همدلی کنند و از حسادت و رفتارهای ناپسند اخلاقی دور باشند. بخشش‌هایی مانند رضایت پای چوبه دار یا بخشش فردی که خلاف کرده است زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که فرد شخصیتی قانون‌گریز نداشته باشد و صرفا به دلیل یک اشتباه غیر عمد مرتکب خطا و به حبس و مجازات دچار شده است. از دیدگاه جامعه‌شناسان افراد را که دارای معنویات هستند و هنوز معنویات در آن‌ها زنده است و حس معنوی درونی دارند اگر مرتکب جرمی شوند قطعاً به آن جرم باز نمی‌گردند و آن رفتار ناپسند را تکرار نمی‌کنند از این رو بخشیدن حق این افراد به شمار می‌رود زیرا ر از ترک حادته به این مناصب رفتار شده‌اند. در محیط خانواده می‌توان گفت اگر بخشش در محیط خانواده به شکل یک الگوی رفتاری در آید قطعاً کمتر شاهد طلاق، فرار فرزندان از خانه، قتل و همسر کشی و ضرب و شتم هستیم. اگر والدین در حق یکدیگر اصول بخشش را رعایت کنند فرزندان این آداب را می‌آموزند و در محیط‌های اجتماعی بدون پرخاش و خشونت رفتار می‌کنند.

مهدی در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری

توانست تصویر سارق تک‌رو را به دست آورد.
بررسی عکس سارق جوان در بانک مجرمان سابقه دار به نتیجه‌ای نرسید و نشان از آن داشت که این دزد تازه کار است و هیچ سابقه سرقتی ندارد.
گشت زنی‌های پلیسی ادامه داشت تا این که مأموران پسر جوانی را که در خیابان‌ها به صورت موز سوار بر موتورش در حال پرسه زنی بود مشاهده کردند که با توجه به مشخصات موتورش و لباس‌هایی که به تن داشت، آن‌ها احتمال دادند که این جوان همان سارق تازه کار است و به صورت نامحسوس وی را تحت نظر قرار دادند.

پسر جوان غافل از این که مأموران در تعقیبش هستند وقتی دید دختر جوانی وارد یک کوچه خلوت شد به سرعت به دنبالش رفت و مأموران نیز به تعقیبش پرداختند که در این صحنه پسر جوان دست به کیف‌قاپی زد اما وقتی دید کوچه بن بست است مسیرش را تغییر داد تا از سر کوچه فرار کند که خودروی پلیس را پیش‌روی خود دید و به ناچار خود را تسلیم مأموران کرد.
میلاد ۳۱ ساله که راهی جز اعتراف نداشت ادعا کرد که مدتی است بیکار شده و نیاز به پول برای تأمین هزینه‌های زندگی اش دارد و به همین دلیل دست به سرقت زده است.

دزدی به دلیل بیکاری

میلاد که جوان تازه کاری است ادعا می‌کند که راهی جز سرقت نداشت و چندی قبل به خاطر یک روز بازداشت در کلانتری از کار بیکار شدم و به همین دلیل دیگر کسی به من کار نمی‌داد.

سابقه داری؟

یک بار به خاطر درگیری بازداشت شدم اما زندان نرفتم.
شغل؟
نگهبان یک شرکت خصوصی بودم.

چرا دزدی؟

چون از کار اخراج شدم.

چرا؟

چندی قبل در جلوی در خانه مان چند جوان شروع به بحث و درگیری لفظی با هم کردند که



فحاشی هایشان داخل خانه شنیده می‌شد و بچه‌ام نیز با تعجب به این ناسزاگویی‌ها گوش می‌کرد که از پشت پنجره داد زدم که ساکت باشند و خانواده این جازندگی می‌کند که بکی از آن جوان‌ها به من فحاشی کرد. عصبانی شدم و از خانه بیرون آمدم و با یک چوب دستی به سمت پسر جوان رفتم و با آن‌ها درگیر شدم که در این درگیری هم کتک خوردم هم کتک زدم تا این که پلیس سر رسید و ما را بازداشت کرد.

چند روز در بازداشت بودی؟

پنج شبانه عصر دستگیر شدم و تا یک شبانه در بازداشت بودم و روز دوشنبه وقتی به اداره رفتم دیدم نامه اخراج‌م را دارند.

چرا اخراج؟

شرکت وضعیت مالی اش بد شده بود و فکر کنم به دنبال بهانه بودند که مرا اخراج کنند و وقتی پیگیر ما چرا شدیم گفتند چون سابقه دار شدم دیگر نمی‌توانم در شرکت کار کنم. سابقه من کیفری نبود که نقشی در کارم داشته باشد و زدی هم نکرده بودم، فقط یک درگیری بود اما همین باعث شد تا اخراج شوم.

به دنبال کار رفتی؟

بله، چند جا برای کار رفتم اما خبری نبود و حتی چند روز در یک پیک موتوری کار کردم اما نمی‌توانستم هزینه‌زن و بچه‌ام را پر دازم.

چطور به فکر دزدی افتادی؟

یک روز در خیابان منتظر بودم تا شاید بتوانم با موتور مسافر کشی کنم اما هیچ خبری نشد و حتی در سر چهارراه هم باندبازی است و نمی‌گذارند کسی جز خودشان با موتور مسافر کشی کند، به همین دلیل در حال پرسه زنی در خیابان بودم و برای رفتن به خانه نیاز به پول داشتم که ناگهان کیف دستی زن جوانی مرا اوسوسه کرد و در یک لحظه اقدام به قاپیدن کیف زن جوان کردم که پس از آن تصمیم به کیف‌قاپی گرفتم.

قصد داشتی تا کی دزدی کنی؟

نمی‌دانم، ولی تصمیم داشتم کمی پول به دست بیاورم تا یک کار راه بیندازم اما نشد.

حالا سبقت‌دار شدی چه کار می‌کنی؟

نمی‌دانم آزاد شوم چه اتفاقی می‌افتد و آینده‌ام چه می‌شود.

حرف آخر؟

پشیمانم و امیدوارم خانواده‌ام مرا ببخشند و اگر مرا اخراج نمی‌کردند هیچ وقت کارم به سرقت و زندان نمی‌کشید، فقط از مدیران می‌خواهم کمی ما را درک کنند و اگر کسی هم اشتباهی کرده است به این معنی نیست که او خلافکار است و خدشش کنند، دستان را بگیرند که به فکر خلاف نیفتیم. بنا بر این گزارش، مرد جوان که با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده بود با توجه به تایید حکم زندان با دستور قضایی روانه زندان شد.

رهایی میلیاردری قاتل مدیرمسئول یک نشریه از قصاص

مقتول تماس گرفت و تهدید کرد ماشین ۴۰ میلیونی‌ام را خرد می‌کند. با شنیدن این حرف عصبانی شدم و بلافاصله به خانه برگشتم و با مقتول درگیر شدم. من باقمه ز انتهای مجید را تخریب کردم اما قصد کشتن او را نداشتم که چاقو ناخواسته به سینه‌اش فرو رفت.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده مهدی را به قصاص، پرداخت دیه و پنج سال زندان محکوم کردند.

جلب رضایت با دیه میلیاردری

این حکم در شعبه ۲ دیوان عالی کشور مهر تایید خورده و قطعی شده بود که وی توانست با پرداخت دیه میلیاردی رضایت اولیای دم را جلب کند و از قصاص رهائی یابد.
وی دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

خوبی نداشت که ما مجبور شدیم با اورژانس تماس بگیریم.
وی ادامه داد: در راه پله منتظر اورژانس بودیم که مهدی بار دیگر دعوا را شروع و با قمه حمله کرد. او یک ضربه به سرم زد و در حالی که روی زمین افتاده بودم برادر و برادرزاده‌اش نیز به طرف آمدند و سه نفری مرا کتک زدند. برادرم مجید با دیدن این صحنه سراسیمه از پله‌ها پایین آمد ولی مهدی با دیدن او چاقویی را که در دستش بود در سینه برادرم فرو برد و با یک موتور فرار کرد.

سپس متهم به دفاع ایستاد و گفت: آن روز بعد از این که با مقتول درگیر شدم به سوئیتم رفتم و طبق عادت مشروب خوردم. بعد به مغازه برادرم رفتم و با کارگرش شیشه کشیدم. در همین حین

یک استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که پدر و مادر و دو دختر مقتول برای وی حکم قصاص خواستند.
در آن جلسه برادر مقتول گفت: مهدی یک سوئیت غیر مجاز در پارکینگ ساخته بود و آن جارت و آمدهای مشکوک داشت و مشروب و مواد مخدر نیز مصرف می‌کرد. از آن جایی که برادرم، دو دختر نوجوان داشت این قضیه برایش مهم بود به همین دلیل بارها به او تذکره داده بود تا آن سوئیت را خراب کند. اما او توجهی نداشت تا این که برادرم از او شکایت کرد و روز حادثه متهم با دیدن برگه شکایت عصبانی شد و شروع به فحاشی کرد.
وی ادامه داد: بعد از شروع دعوا برادرم با من تماس گرفت و درخواست کمک کرد. وقتی خودم را به آن جارساندم همسر برادرم حال

مرد خشن که مدیرمسئول یک نشریه را به دلیل درگیری بر سر مسائل ساختمان کشته بود با پرداخت دیه میلیاردی رضایت گرفت و از قصاص رهائی یافت.
درگیری خونین
رسیدگی به این پرونده از بیستم اردیبهشت سال ۹۶ به دنبال درگیری خونین در یک ساختمان در دستور کار مأموران کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد قرار گرفت. شواهد نشان می‌داد مجید ۵۰ ساله که مدیر عامل نشریه شمارش بود در جریان درگیری با مرد همسایه کشته شده است. تلاش برای ردیابی عامل جنایت که به محل نامعلومی گریخته بود آغاز شد و مهدی پنج ماه بعد در باغی در غرب تهران ردیابی و بازداشت شد.

در دادگاه

مهدی در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری
و قطعی شد اما چون حسن توان پرداخت دیه را نداشت در زندان ماند و طی نامه‌ای به قضات دادگاه درخواست اعسار را مطرح کرد.
حسن ۳۵ ساله دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من سال‌ها قبل به دام اعتیاد افتادم و خانواده‌ام از این ماجرا ناراحت بودند و می‌خواستند هر طور شده مرا به کمپ ترک اعتیاد منتقل کنند اما من که متوجه ماجرا شده بودم در اوج عصبانیت تفنگ شکاری را که در خانه داشتم برداشتم و به سمت آمبولانسی که قرار بود با آن به کمپ ترک اعتیاد منتقل شوم شلیک کردم. همان زمان بهرام که همسایه مان بود و صدای شلیک گلوله را شنیده بود از خانه اش بیرون آمد و به سمت من حرکت کرد اما من چون تحت تأثیر مواد مخدر حال طبیعی نداشتم به



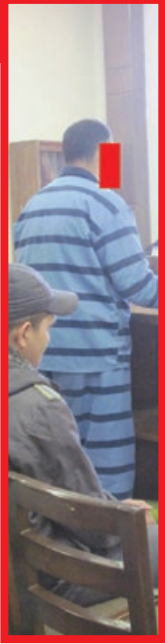
سمت او شلیک کردم، تیر شلیک شده از نوع خوشه‌ای بود که در بدن بهرام منفجر شد و او آسیب جدی‌رساند.
وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود ادامه داد: من در زندان مواد مخدر را کنار گذاشتم و پاک شدم. اما توان پرداخت دیه را ندارم. من در زندان چندین حرفه

دختر دانش‌آموزی در پارک سرخه حصار به دام پنج‌پسر شیطان صفت افتاد. پسر جوانی که متهم است پس از بودن دختر نوجوان در مسیر مدرسه وی را به همراه چهار نفر از دوستان فراری اش آزاد داده دیروز پای میز محاکمه ایستاد. اوایل مهر ماه امسال دختر دانش‌آموزی به نام ملیکا در حالی که اشفت و پریشان بود به همراه مادرش به پلیس آگاهی تهران رفت و از پنج پسر که وی را آزاد داده بودند شکایت کرد. دختر نوجوان به

تحلیل کارشناس

تصمیم‌های اشتباه

نسرین آقایی – جامعه‌شناس
تصمیم‌های اشتباه همیشه باعث کج راهه‌های زیادی شده است! یک تصمیم اشتباه همیشه از روی بی‌فکری یک شخص رخ نمی‌دهد به این معنا که عوامل مختلفی باعث می‌شود که تصمیم‌های اشتباه یکی پس از دیگری گرفته شود و به قول قدیمی‌ها بار کج به منزل نمی‌رسد. در این پرونده شاهد هستیم که تصمیم اشتباه در یک پروژه اقتصادی که در سطح کلان گرفته می‌شود باعث ورشکستگی یک کارگاه یا تولیدی یا هر بنگاه اقتصادی دیگری می‌شود و مدیران‌ها برای این که خود را نجات دهند با طرح‌های تعدیل نیرو یا اخراج به هر بهانه‌ای دومین اشتباه را مرتکب می‌شوند و مرد بانی را که تا آن زمان برای امرار معاش خانواده‌اش حقوق ماهانه داشت در شرایط اقتصادی قرار می‌دهند و بدتر این که خیلی از این مردان بیکار چون بیمه نبوده‌اند حتی بیمه بیکاری ندارند و حتی آن‌هایی که بیمه بیکاری دارند این میزان حقوق به اندازه‌ای کم است که باید برای درآمد خانواده خود راهی جایگزین کنند. نه همه بلکه برخی از این بیکارها باز تصمیم اشتباه می‌گیرند و همین کافی است پا به کج راهه بگذارند و در این صورت نه تنها نمی‌توانند مشکلات اقتصادی شان را حل کنند بلکه باعث بدتر شدن اوضاع خانواده‌شان بعد از زندانی شدن شان می‌شوند. درباره دو اشتباه نخست که ناشی از شرایط حاکم در کشور و تحریم‌های شدید است باید کارشناسان دیگری نظر بدهند اما درباره بعد از اخراج یک کارگر از محل کارش باید دولت تمهیدی در نظر بگیرد به این معنا که با نظارت دقیق بر کارگاه‌ها و نگاه‌های اقتصادی از بیمه‌بودن همه کارکنانش مطمئن شود و برای بعد از بیکاری یک شخص، تجدید نظر و ویژه‌ای درباره جزئیات بیمه بیکاری داشته باشد تا خانواده‌ها از لحاظ اقتصادی آن‌هم ناگهانی در شرایط وحشتناکی قرار نگیرند و تصمیم‌های اشتباه اتخاذ نکنند.



مهدی در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: من واقعا با مرد همسایه خصوصی نداشتم. مشروب خورده و شیشه مصرف کرده بودم که با او درگیر شدم و نمی‌دانم چاقو چطور به سینه‌اش فرو رفت. او تهدید کرده بود ماشینم را تخریب می‌کند. به همین دلیل کنترل اعصابم را از دست دادم. من با پرداخت دیه میلیاردی رضایت اولیای دم را جلب کردم و حالا قضات دادگاه تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند. من واقعا پشیمانم و می‌دانم اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ام.
وی ادامه داد: من بعد از قتل از ترس فرار کردم.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

آزن در دام شیطانی مرد پرشیا سوار



چندین متهم سابقه‌دار را به سپیده نشان داد تا این که زن جوان توانست یکی از آن‌ها را به نام سعید شناسایی کند.
سعید چندین سابقه دعوا و درگیری در پرونده اش داشت و مدتی قبل از زندان آزاد شده بود. با اطلاعاتی که زن جوان به پلیس

مرد شیطان صفت که چهار زن را در پرشیا دودی به تله انداخته و آن‌ها را آزاد داده بود به زودی محاکمه می‌شود.

رسیدگی به این پرونده از سه ماه قبل به دنبال شکایت یک زن جوان به نام سپیده آغاز شد. وی که به پلیس آگاهی تهران رفته بود پرده از سرنوشت تکان‌دهنده خودش برداشت.
سپیده از راننده شیطان صفت یک پژو پرشیا شکایت کرد و گفت: دیروز به عنوان مسافر در حوالی متروی پایانه مسافری جنوب سوار یک پژو پرشیا شدم تا به محل کارم بروم. اما راننده که مرد ۳۵ ساله‌ای بود مرا به سمت جاده حسن آباد قم برد. او می‌خواست مرا آزاد دهد که مقاومت کردم و او مرا به شدت کتک زد. او حتی مرا تهدید به مرگ کرد ولی من به سختی توانستم خودم را از شیشه

متهمان اشد مجازات خواست و در حالی که اشک می‌ریخت با اشاره به متهم گفت: این پسر با حرف هایش مرا فریب داد و با ماشین مقابل مدرسه دنبالم آمد و مرا به پارک جنگلی سرخه حصار کشاند اما آن جا خودش و دوستانش بدون توجه به ایمناس هم مرا آزاد دادند. به همین دلیل برای آن‌ها تقاضای مجازات دارم. سپس آریا که از زندان به دادگاه منتقل شده بود در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: قبول دارم با پراید

نفری آرام دادند. با این شکایت، دختر نوجوان به پزشکی قانونی معرفی شد و کارشناسان آزار و اذیت وی را تایید کردند. با اظهار نظر کارشناسان پزشکی قانونی آریا ۲۲ ساله ردیابی و بازداشت شد اما چهار همدست وی گریختند و پلیس ردی از آن‌ها به دست نیاورد. بدین ترتیب آریا دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پشت درهای بسته و غیر علنی محاکمه شد. در این جلسه دختر نوجوان برای

ملیکارا به پارک جنگلی بردم اما من او را آزار ندادم. دوستانم که فراری هستند او را آزاد کردند اما همه جرم‌های آن‌ها گردن من افتاده و پلیس ردی از آن‌ها به دست نیاورده است. وی در حالی که به پای دختر نوجوان افتاده بود به او التماس کرد تا از اشتباهش گذشت کند و وی را ببخشد. با پذیرفته نشدن درخواست‌های سوی ملیکا و مادرش قضات وارد شور شدند تا برای پسر شیطان صفت حکم صادر کنند.

دختر دانش‌آموز در

محاصره ۵ شیطان

سرخه حصار